

پایگاه علمی اطلاعات علمی  
سال بیستم علوم انسانی

## ایران شناسی

- تعیین نروز در تخت جمشید / یحیی زکاء
- تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی (۳) / ایرج افشار
- ایران‌شناسی در سرزمین‌های آلمانی‌زبان (۳) / خسرو ناقد



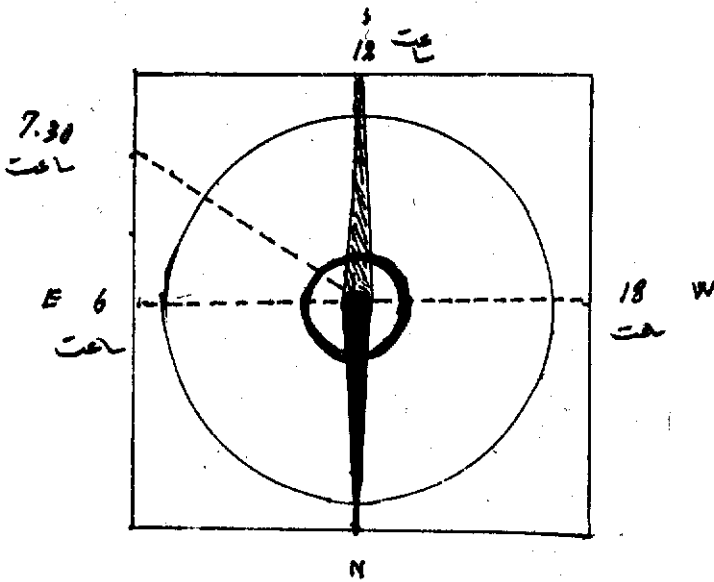
یحیی ذکاء

در سال ۱۳۵۶ هنگامی که برای تهیه گفتاری برای کنگره فردوسی و شاهنامه در بندرعباس، درباره نوروز مطالعاتی انجام می‌دادم و در پی این بودم که ریشه‌های نجومی نوروز و ارتباط آن را با تخت جمشید، بیابم، در میان افسانه‌های گوناگونی که در این زمینه در کتابهای مختلف نوشته شده، چندین افسانه نظر دقتم را به خود جلب کرد و از مضمون مطالب آنها چنین بدست آوردم که بر اثر تابش آفتاب در روز نوروز و اول فروردین ماه، از جایی به تخت جمشید (صفه) اتفاقی می‌افتاد که همه مردم متزصد آن بودند و به آن مناسبت مراسمی در تخت جمشید در حضور شاهنشاه هخامنشی انجام می‌گرفت و آن روز را نوروز می‌گفتند.

رسیدن به این نتیجه، مرا بر آن داشت که در میان کاخهای متعدد تخت جمشید، محلی را بیابم که این عمل نجومی در آنجا انجام می‌گرفته و این مراسم در پیرامون آن برگزار می‌شده است.

با مطالعه کتابهای گوناگون درباره تخت جمشید چنین بدست آمد که در حفاری‌های تخت جمشید، هرستفلد باستانشناس آلمانی در میان چهار ستون کاخ شورا یا سه دروازه یا تالار تخت، در کف زمین به سنگ مربعی برخورد کرده که به آن نام «سنگ اندازه‌گیری» داده و بیش از این درباره آن سخنی نگفته است.

چون سپس درباره این سنگ تحقیق کردم، دانستم که خوشبختانه این سنگ در محل خود



● شمال و جنوب سنگ و محل تابش خورشید از شرق به مرکز دایره  
در روز اول فروردین ساعت ۷/۳۰ بامدادان

۱۸۴

نصب و باقی است و علائمی نیز از دایره و خطوط بر روی آن مشاهده می‌گردد.  
پس از آن روانشاد، مهندس پیرنیا مرا آگاه ساخت که در مرکز این سنگ دایره‌یی کنده شده و  
خطوطی نیز در پیرامون آن دیده می‌شود.

وجود این سنگ و نصب آن در میان چهارستون که غیرعادی می‌نمود و علائم روی آن،  
آشکار می‌ساخت که از نصب آن در این محل، منظور خاصی در میان بوده و از آن مانند یک آلت  
نجومی استفاده می‌شده است. از اینرو شرح آن را در کتابچه نوروز و بنیاد نجومی آن در  
همبستگی با تخت جمشید به تفصیل آورده، تطبیق آن را با «حلقه اسکندری» یا «حلقه اعتدالی»  
که برای محاسبه و یافتن اعتدالین به کار می‌رفت، نوشتم.

سالها بعد که به دعوت بنیاد فارس شناسی برای سخنرانی در دانشگاه شیراز، مسافرتی به این  
شهر کردم و به بازدید تخت جمشید رفتم، این سنگ را در وسط تالار و ستونها از زیر شن ماسه  
در آورده، اهمیت علمی آن را به گروهی از دانشجویان دانشگاه شیراز که همراهم بودند، گوشزد  
کردم.

امسال (۱۳۷۸) که به مناسبت همایشی به عنوان «نخستین جشنواره نوروز» در روزهای  
پایانی اسفند ماه ۱۳۷۷ در تخت جمشید، برگزار گردید، بعد از اتمام همایش از فرصت استفاده  
کرده چند روزی بیشتر در شیراز درنگ کردم و برای آزمایش مجدد و اطمینان از صحت نظرم



●  
نجمی  
دیده

درباره این سنگ، روز اول فروردین صبح زود پیش از طلوع آفتاب، با وسائلی از نقشه و قطب‌نما و ساعت آفتابی و دوربین چشمی و دوربین عکاسی، در محل نصب سنگ حاضر شده، مترصد برآمدن آفتاب از پشت کوه رحمت نشستیم. با بیم از ابری شدن هوا، خوشبختانه، توانستیم، در سر ساعت هفت و سی دقیقه، شاهد طلوع خورشید از ستیغ کوه رحمت و افتادن سایه آن بر روی ساعت آفتابی که بر روی سنگ قرار گرفته بود باشیم و سایه نخط شعاع خورشید را از زیر گوشه مربع که دارای علامت کوچکی است تا مرکز دایره که بر سنگ حک شده مشاهده کنیم. از اینجا معلوم شد که این سنگ مربع که اندکی اریب نصب شده موقعیت کل صفت تخت جمشید را نسبت به کوه رحمت و خورشید و محل طلوع آن از پشت کوه نشان می‌دهد و بی‌گمان آن را از روی محاسبات دقیق نجومی و علمی در کف این کاخ نصب کرده‌اند و وجود همین سنگ و عملیات نجومی بر روی آن در عهد هخامنشیان بوده است که باعث پدید آمدن این همه افسانه‌ها و داستانها مربوط به جمشید و نوروز و تخت جمشید گردیده است. توضیح آن که این آزمایش تنها در دو روز معین از سال یعنی نوروز و مهرگان در بامدادان امکان پذیر است و بس وگرنه پاسخ مثبت به دست نخواهد آمد.

بنا به خواهش نویسنده، سازمان میراث فرهنگی فارس نیز، میله‌های آهنی با زنجیر در چهارگوشه این سنگ نصب کرد که هم این وسیله نجومی را مشخص‌تر سازد و هم از سائیدگی آن بر اثر تردد زائران تخت جمشید، پیشگیری کند.